

کیمیان

جهاد که در زبان عربسی به معنای *مشقت و رنج است (معجم مقاییس اللغة، ج ۱ ص ۴۸۶) در اصطلاح قرآنی به معنای بذل جان و مال و توان خویش در راه خدا و اقامه شاعرئ دینی و اعتلای اسلام به کار رفته است.
(جواهرالکلام ج ۲۱ ص ۳) بنابراین با جنگ و خشونت و درگیری که در زبان عربی با واژه حرب از آن سخن می‌رود، تفاوت ماهوسی دارد. از این رو برخی از جهاد به عنوان جنگ مقدس یاد کرده‌اند تا بر ابعاد انسانی و اهداف الهی به کارگیری خشونت تأکید ورزند.*

افزون بر اینکف در این اصطلاح که از علامه حسن نجفی در **جواهر الکلام نقل شده است** هر تلاشی که برای اقامه شاعرئ دینی و اعتلای اسلام به کار می‌رود جهاد نامیده شده است که از این جهت با جنگ که تنها داللت بر قتل و غارت دارد فرق می‌کند. آن سوس دیگر جهاد به معنای تلاش درونی انسان برای تسلط و مهار قوای نفسانی یعنی تزکیه نیز به کار می‌رود.

در نوشتار حاضر اهمیت و ارزش و اهداف جهاد در اسلام و آثار معنوی و اجتماعی آن تشریح شده است.

آثار معنوی جهاد در زندگی دنیوی

تزکیه نفس یکی از مهم‌ترین اهداف جهاد در قرآن بیان شده است و خداوند در این باره در آیات ۱۴۰ تا ۱۵۴ سوره آل‌مران تبیین می‌کند که چگونه جهاد در راه خدا موجب می‌شود تا نفس انسانی تزکیه شده و قلب تصفیه گردیده و از آثار گنّه و تاثیر قوای نفسانی رهایی می‌یابد. چنان‌که جهاد وسیله‌ای برای تقرب به خداوند(مانده آیه ۳۵) و راهی برای دستیابی به رحمت و جلب عنایت اوست.(بقره آیه ۱۷۸)

کسی که بخواهد محبت الهی را به سوی خود جلب کند بهترین راه افزون بر اطاعت پیامبر خدا، جهاد است (صف آیه ۴) بلکه خداوند با تعریف به مسلمانان عصر پیامبر از آنان می‌خواهد که برای کسب محبت خداوند، جهاد کنند وگرنه مردمی را به جای ایشان می‌آورد

اگر دین خوب است و در کنار علم باعث پیشرفت می‌شود و می‌گویم تا دین نباشد پیشرفت نمی‌کنیم، پس چرا کشورهای اسلامی که دین اسلام دارند پیشرفت ندارند ولی کشورهای غربی که دین اسلام ندارند پیشرفت دارند؟

اسلام که به عنوان آخرین دین از طرف خدا توسط حضرت محمدصلی الله علیه و آله) بر جهانیان عرضه شده، از حیث محتوا و ماهیت، دینی است کامل، پویا و جاوید که از آغاز ظهورش تا به امروز هیچ‌گاه دچار رکود و عقبگرد نشده و نخواهد شد.
انما از جهت گسترش جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی، کارکردهای آن بستگی به علل و عوامل گوناگون و متفاوتی داشته که بعضی از آنها مربوط به اسلام و محتوای آن است و برخی دیگر مربوط به روحیات و روش مسلمانان و برخی دیگر نیز مربوط به عوامل بیرونی و خارج از متن اسلام و مسلمانان.انما در یک تفاوت کلی، علل پیشرفت اسلام بیشتر علل داخلی و مربوط به متن دین بوده، برخلاف علل توقف این پیشرفت که بیشتر از بیرون بر آن تحمیل شده و معلول آسیب‌هایی است که جامعه اسلامی دچار آن شده است.
نخست به علل پیشرفت و رشد اسلام اشاره کرده و سپس به علل انحطاط و رکود مسلمانان خواهیم پرداخت:

علل پیشرفت اسلام

اولین عامل پیشرفت پرسرعت و عالمگیر اسلام را می‌توان اختراع خاصه خود امدادهای غیبی دانست که به خاطر وجود مقدس رسول اکرم(ص) و صلابت و استواری ایمان اصحاب باوقایش نصب مسلمان‌ها می‌شد، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

«انْهٰم اِیَّ وَهٰنَدُ نُرِ خَدٰرَا بِاِدهٰنِ خُودِ خٰمُوشِ کُنَدُ وَلٰی خَدٰرُو نِی اِنْمٰی خُودَه کِه نُو رُخُو رَا کٰمَل کُنْد هُر چِنْد کٰفِرٰن نٰخَشُود بِاَشُد.»^[۱] در جای دیگر می‌فرماید: «خداوند شما را در جنگ بد یاری کرد و بر دشمنان خطرناک پیروز گردانید در حالی که شما نسبت به آنها ناتوان بودید.»^[۲]

بنابراین یکی از عوامل عمده پیروزی و پیشرفت اسلام در اوائل ظهورش امدادهای

اسلام مانند یهود نیست که بپوهه را خدای اختصاصی دین و ملت یهود بداند؛ نیز مانند مسیحیت نیست که خدا را در عین وحدت، سه‌تا؛ پدر، پسر و روح القدس بداند و عقل را از درک چنین تناقضی ناتوان قلمداد کند.
بلکه اسلام خدا را آفریدگار همه مردم و مردم را همه در برابر او یکسان، کار و فعالیت را عبادت، دنیا را مزرعه آخرت، ازدواج را سنت محمد(ص) می‌داند… کدما فطرت سالمی است که از چنین معارفی روی برتابد و آن را با آغوش باز نپذیرد؟!

خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»^[۳]

۱. آن حضرت در فتح مکه وقتی بر جنبایحاران خونخوار که سالیان دراز با تمام توان خود بر ضد آن حضرت کوشیده بودند دست یافت، برخلاف پندار دوستان و دشمنان، فرمان عفو عمومی را صادر کرد و تمام جنبایات آنها را در دست فراموشی سپرد و همین سبب شد به مصداق (بدخولون فی دینن الله افواجا» فوج فوج مسلمان شدند.^[۴]

۲. چهارمین عامل پیشرفت اسلام، ایجاد دگرگونی مثبت و عمیق در روحیات و روش

ملست عرب معنوی و تربیت یافتن گروهی از

یاران خاص آن عرصت خصوصا بود. این عده

به عنوان هسته مرکزی جامعه نوپای اسلامی

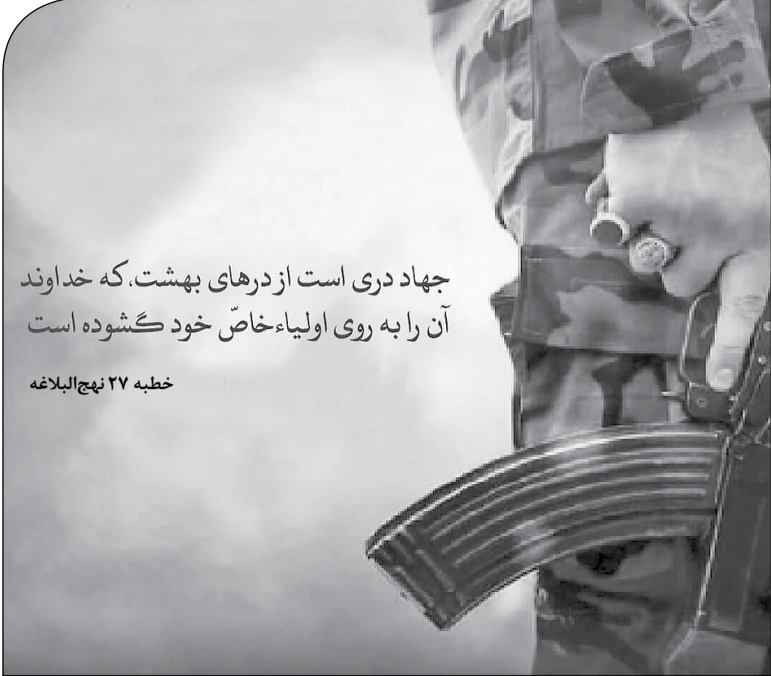
آن روز در پرتو اخلاق عالی و انسان‌ساز پیغمبر

تربیت شدند تا مدت‌ها پس از پیغمبر حافظ

سیریه و سنت آن حضرت در ابعاد مختلف

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir



تقدس جهاد در اسلام

علی جواهردهی

دشمنان با جهاد، خوار و ذلیل می‌شوند

و عزت و سرافرازی نصیب جامعه ایمانی می‌شود. از این رو جهاد به عنوان عنصر اساسی عزتمداری جامعه ایمانی مورد تأکید قرآن است. با خوراری و ذلت دشمنان این امکان فراهم می‌شود تا جامعه از شر آنان مصونیت یابد.توبه آیه ۱۴) و خداوند با دستان مؤمنان دشمنان خود را کیفر می‌دهد.(توبه آیه ۵۲) بنابراین جهاد به عنوان خیر جمعی موجب خوشایندی مؤمنان را در نهایت فراهم می‌آورد

از دیگر آثار اجتماعی جهاد، جدایی صفوف دوست از دشمن است؛ زیرا در هنگام جهاد است که مجاهدان و مؤمنان واقعی از منافقان و دروغگویان باز شناخته می‌شوند. (بقره آیه ۲۴۹ و آل عمران آیه ۱۶۰ و توبه آیه ۴۲ و ۴۳ و محمد آیه ۲)

شبهه‌ها و پاسخ‌ها

علل عقب‌ماندگی و رکود مسلمانان

سیاسی و اجتماعی بودند. شهید مطهری اسلام نیز در سهولت و آسانی آن بود… اختلاف مانند یهود نیست که بپوهه را خدای اختصاصی دین و ملت یهود بداند، نیز مانند مسیحیت نیست که خدا را در عین وحدت، سه‌ تا؛ پدر، پسر و روح‌القدس بداند و عقل را از درک چنین تناقضی ناتوان قلمداد کند. بلکه اسلام خدا را آفریدگار همه مردم و مردم را همه در برابر او یکسان، کار و فعالیت را عبادت، دنیا را مزرعه آخرت، ازدواج را سنت محمد(ص) می‌داند… کدما فطرت سالمی است که از چنین معارفی روی برتابد و آن را با آغوش باز نپذیرد؟!

۱. سومین عامل پیشرفت اسلام، تربیت خوی و خصلت، رهبری و مدیریت رهبر عالیقدر آن، حضرت محمد(ص) است که با خلق و خوی سپندیده خود باعث جذب دل‌ها ایجاد محبت در قلوب مسلمانان و الهام‌بخش رحمت، رأفت، صفا و صمیمیت بین یاران و پیروان خود می‌شد، چنان‌که خداوند به ایشان می‌فرماید: «به رحمت الهی در برابر مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند، پس آنها را ببخش و برای آنها ارزش طلب کن و در کارها با آنها مشورت نما اما هنگامی که تصمیم گرفتی، بر

مسلمانان بسیارند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از عوامل رکود و عقبگرد جامعه خودخوار که سالیان دراز با تمام توان خود بر ضد آن حضرت کوشیده بودند دست یافت، برخلاف پندار دوستان و دشمنان، فرمان عفو عمومی را صادر کرد و تمام جنبایات آنها را در دست فراموشی سپرد و همین سبب شد به مصداق (بدخولون فی دینن الله افواجا» فوج فوج مسلمان شدند.^[۵]

۲. چهارمین عامل پیشرفت اسلام، ایجاد دگرگونی مثبت و عمیق در روحیات و روش

ملست عرب معنوی و تربیت یافتن گروهی از

یاران خاص آن عرصت خصوصا بود. این عده

به عنوان هسته مرکزی جامعه نوپای اسلامی

آن روز در پرتو اخلاق عالی و انسان‌ساز پیغمبر

تربیت شدند تا مدت‌ها پس از پیغمبر حافظ

سیریه و سنت آن حضرت در ابعاد مختلف

متن جامعه اسلامی و نیز وجود اصحاب و یاران

می‌کند:

تا هم از مزاحمت دشمنان رهایی یابند و هم از عذاب دردناک الهی رهایی پیدا کنند.(صف آیه ۱۰ و ۱۱) از دیگر آثار اجتماعی جهاد که قرآن به آن اشاره شده، ولایت و دوستی در میان مؤمنان و کمک به یکدیگر است که در زمان جهاد افزایش می‌یابد و جهاد انگیزه و عملی می‌شود که قلب‌های مؤمنان به هم نزدیک شده و به مدد یکدیگر پشتیبانند.(انفال آیه ۷۲)

اهداف جهاد

با روشن شدن آثار معنوی و اجتماعی جهاد تا اندازه ای با اهداف جهاد آشنا شدیم. با این همه در اینجا به بیان برخی از اهداف جهاد در آموزه‌های قرآنی اشاره می‌شود تا درک درست و صحیحی از مفهوم جهاد در نگرش اسلام و قرآن به دست‌آوریم.

آزادی و رهایی مستضعفان موحد و یکتاپرست از چنگال ستمگران (نساء آیه ۷۵) و آزادی وطن و سرزمین از دست دشمنان و متجاوزان (بقره آیه ۱۹۱ و حج آیه ۳۹ و ۴۰) و راندن دشمنان و متجاوزان از سرزمین‌های مسلمانان (بقره آیه ۱۹۱) و اعتلا و احیای دین اسلام و یکتاپرستی (بقره آیه ۱۹۰) و برپایی حق (انفال آیه ۸) و حفظ مساجد و معابدپرستش (حج‌آیه ۷ و ۳۹ و ۴۰) و دفع فساد و فتنه و تجاوز از میان جامعه بشری (بقره آیه ۲۵۱ و

۱۹۰) و پندگیری و عبرت‌آموزی کافران (انفال آیه ۵۵ و ۵۷) مبارزه با ظلم و ستم (حج آیه ۳۹) و نابودی باطل (انفال آیه ۷ و ۸) و ایجاد زمین‌های گرایش به اسلام و حق در میان درمان (توبه آیه ۵) از مهم‌ترین اهدافی است که قرآن برای جهاد بیان کرده است.

بی‌انجامید) هیچ نتیجه‌ای جز ضعف و تحلیل رفتن نیروهای جامعه اسلامی نداشت. ۵. پنجمین عامل عقب‌ماندگی مسلمانان را می‌توان هجوم استعمار به کشورهای اسلامی دانست. استعمار که «حالات قدرت‌های بیگانه در سرنوشت ملت‌های دیگر و به غارت بردن سرمایه‌های ملی و مذهبی و به بردگی کشیدن مردم است» همواره درصدد دست‌اندازی و تسلط بر کشورهای اسلامی بوده و هست، اما چون دستیابی به این هدف را از طریق به کارگیری قدرت و زور ممکن نمی‌دید، ناگزیر از راه‌های به ظاهر فریبنده و در واقع کشنده مانند: خراب کردن مبانی اعتقادی و ایمانی مسلمانان، ترویج فساد و بی‌بندوباری، بی‌اعتماد کردن توده مردم نسبت به اختراعات ملی و دینی‌شان، ترویج تز جدایی دین از سیاست … و نقشه‌های شوم و شیطان‌گونه خود را در جهت نابودی عزت اسلام و شوکت مسلمانان پیاده کرد.»^[۶] امور گفته شده و خیلی از چیزهای

خاص آن حضرت از جمله حضرت علی(ع) و محافظه‌کاری هیبت حاکمه، زیاد ملموس و چشمگیری به نظر نمی‌رسید. به همین دلیل فتوحات مهم اسلامی در همین دوره صورت گرفت. اما به مرور زمان انحراف مذکور، فاصله و شکاف بین عملکرد دستگاه حاکمه را با سیره و سنت نبوی و آموزه‌های اسلامی بیشتر کرد تا اینکه از خلافت اسلامی فقط اسمی باقی ماند و در عمل به سلطنت فاسد اموی و عباسی تبدیل شد که به هزاران فسق و فجور، ظلم و استبداد آلوده بودند و نتیجه همه آنها جز رکود و بدبختی جامعه اسلامی چیز دیگری نبود. این انحراف کلی در مدیریت و رهبری جامعه اسلامی پیش آمد.

۲. عامل دوم رکود جامعه اسلامی آشفتگی فکری و فرهنگی بود که بعد از رسول اکرم(ص) رخ داد. پس از رحلت پیامبر بلافاصله به دلالت سیاسی و حکومتی، نگارش و در بعضی موارد نقل احادیث و سخنان آن حضرت از نسوی خلفای وقت ممنوع شد. این ممنوعیت تا آخر قرن اول هجری ادامه یافت تا اینکه در زمان عمر بن عبدالعزیز ممنوعیت برداشته شد و مسلمانان شروع کردند به ثبت و ضبط احادیث پیغمبر اکرم(ص) و این زمانی بود که صحابه و یاران آن حضرت جز تعدادی انگشت‌شمار باقی نمانده بود اما در عوض دانشمندان یهودی و ملحدان به ظاهر مسلمان مانند کمب الاحبار و ابن ابی العوجا دست به جعل گسترده حدیث زدند.»^[۷] بدین صورت حدیث و سنت نبوی که پس از قرآن ادامه‌دهنده معرفت اسلامی است، دچار خسارت جبران‌ناپذیری شد و تا به امروز فرهنگ و اندیشه اسلامی از این مسئله رنج می‌برد.

۳. سومین علت انحطاط مسلمانان، نفوذ عقاید و افکار انحرافی در اعتقادات بود که از سوی خلفای فاسد اموی و عباسی ترویج و تبلیغ می‌شد مانند عقیده به جبر و سرنوشت محتوم، که اولین بار توسط معاویه، به سرسنته خلفای اموی مطرح شد. او زمانی که در مسئله انتخاب یزید برادر و لایتنعهدی مورد انتقاد قرار گرفت، موضوع را سه اراده حتمیه خداوند مربوط دانست که قابل تغییر نبوده و نیست. معاویه و همدستان او می‌کوشیدند تا عقیده جدید که به منظور تثبیت پایه‌های حکومت خود استفاده کنند و بدین‌وسيله مسلمانان ساده‌دل را به پیروی از خود و فرزند فاسدش یزید وادار نمایند.»^[۸]

۴. عامل دیگر رکود و توقف گسترش اولیه اسلام، اختلاف، تفرقه و پراکندگی جامعه اسلامی به بهانه‌های مختلف مذهبی، نژادی و قبیله‌ای بود. پیدید آمدن فرقه‌های مختلف و گاه ناهمگون و متضاد اعتقادی و مذهبی (که اغلب مشاجرات و مجادلات بین آنها به تکفیر و تفسیق همدیگر بلکه به برخورد‌های خونین منتهی می‌شد) از هفتاد سال عبادت کردن افضل است. این تغییر تعبیرات- همان طور که بسیاری از علما گفته‌اند- به واسطه این است که نوع و موضوع تفکرها فرق می‌کند:

در برخی از آیات به آثار تغلف و خودداری از جهاد اشاره شده است. بیان این آثار می‌تواند به یک معنا تبیین‌کننده اهداف و آثار جهاد نیز باشد؛ زیرا وقتی قرآن یکی از آثار تغلف از جهاد را گسترش فساد در زمین می‌شمارد، (انفال آیه ۷۲ و ۷۳) سه یک معنا این مطلب بیان‌کننده آن است که از آثار و اهداف جهاد جلوگیری از فساد و ایجاد اصلاح در جامعه بشری است. از این رو در اینجا به برخی از آثار تغلف از جهاد اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: اندوه غم و فراوان و طولانی (توبه آیه ۸۱ و ۸۲) تحبیر و سرگردانی (مانده آیه ۲۱ و ۲۶) خسمران (همان) سقوط جامعه ایمانی و اسلامی و نابودی آن (بقره آیه ۱۹۰ و ۱۹۵) خشم خداوند (انفال آیه ۱۶) فتنه در جامعه (انفال آیه ۷۲ و ۷۳) فسق و فجور و انحراف در جامعه و مسیر حق (مانده آیه ۲۰ و ۲۱) و طولانی (توبه آیه ۸۱ و ۸۲) تحبیر و سرگردانی (مانده آیه ۲۱ و ۲۶) خسمران (همان) سقوط جامعه ایمانی و اسلامی و نابودی آن (بقره آیه ۱۹۰ و ۱۹۵) خشم خداوند (انفال آیه ۱۶) فتنه در جامعه (انفال آیه ۷۲ و ۷۳) فسق و فجور و انحراف در جامعه و مسیر حق (مانده آیه ۲۰ و ۲۱) و طولانی (توبه آیه ۸۱ و ۸۲) تحبیر و سرگردانی (مانده آیه ۲۱ و ۲۶) خسمران (همان) سقوط جامعه ایمانی و اسلامی و نابودی فردی و اجتماعی (توبه آیه ۴۲)

اینها بخش‌هایی از آیات قرآن است که بخوبی بیان می‌کند که جهاد با جنگ متمایز است و نمی‌توان آن دو را در حکم واحد شمرد. اگر کسی با مفهوم جهاد به سراغ جهاد برود و بخواد درباره نقش جهاد در اسلام و قرآن سخن بگوید به حق به بیراهه رفته است. به سخن دیگر حتی نمی‌توان از جهاد با مفهوم اهداف و آثاری که در آیات قرآن بیان شده است، به جنگ مقدس یاد کرد؛ زیرا مفهوم قداست نمی‌تواند این معنای بلند را با خود حمل کند. قداست تنها بیانگر تابو بودن و حرمت و ارزش دینی داشتن چیزی را بیان می‌کند در حالی که جهاد امری فراتر از این مطالب و سخنان است. قرآن برای جهاد آداب و قوانین سخت و شدیدی وضع کرده است که تبیین آنها می‌تواند در فهم بهتر و صحیح‌تر این مفهوم کمک کند ولی برای رعایت اختصار از بیان آنها خودداری می‌شود.

نقطه دوردستی پیش رود.^[۱۱] به قول بعضی از مورخان، اگر بی‌لیاقتی و عدم کفایت خلفای وقت نبود ارتش اسلام می‌توانست سراسر اروپا را به تسخیر خود درآورد چنان‌که گوستاو لوبون می‌گوید: موسی بن نصر قصد داشت تسلطی از فتح اسپانیا از راه فرانسه و آلمان به قسطنطنیه رفته و آنجا را نیز فتح کرد و تمام جهان آن روز را تحت نفوذ اسلام درآورد، ولی به واسطه اینکه خلیفه، او را به دمشق احضار کرد، نتوانست این مقصود را انجام دهد. اگر چنین موفقیتی نصیب او می‌شد، بدون شک اروپا را مسلمان کرده و در میان ملت‌های متمکن، وحدت مذهبی ایجاد کرده بود و گذشته از این امکان بود اروپا از جنایات قرون وسطا نجات داده می‌شد و چنان‌که اسپانیا به واسطه وجود اعراب در آنجا دچار جنایات قرون وسطایی نشد، اروپاییان نیز دچار نمی‌شدند.»^[۱۲]بنابراین اگر بی‌کفایتی خلفای هم وقت نبود قطعا سراسر اروپا به تسخیر مسلمانان درمی‌آمد، البته افزون

اسلام همان‌گونه که در مناطق دیگر گسترش یافت، در زمان اوج عزت و شوکت‌وفتای خود سوزمین‌های مغرب‌زمین را نیز درنوردید و پس از فتح اسپانیا (که در سال ۹۲ هجری واقع شد و هشتصد سال در اختیار مسلمانان باقی ماند) ارتش ظفرمند اسلام به فرماندهی عبدالرحمن بن عبدالله غافقی توانست از کوه‌های «پیرنه» عبور کند و ایالات جنوب فرانسه را تصرف نماید و در قلب فرانسه تا نقطه دوردستی پیش رود. به قول بعضی از مورخان، اگر بی‌لیاقتی و عدم کفایت خلفای وقت نبود ارتش اسلام می‌توانست سراسر اروپا را به تسخیر خود درآورد.

دیگر عواملی بود که دست به دست هم داده و موجب رکود و انحطاط مسلمانان پس از فروغ در درخشش اولی آن شد.
علت گسترش نیافتن اسلام در مغرب زمین
پدربخ داشتن داهیه جهانی بودن

اولاً: معیار جهانی بودن یا نبودن یک دین صرفا گسترش و عدم گسترش جغرافیایی آن نیست تااگر دینی در نقطه‌ای از جهان گسترش نیابد، جهانی بودن آن زیر سؤال رود. بلکه معیار جهانی بودن دین، عرضه کردن آموزه‌های فراگیر و جهان‌شمول از سوی آن است و دین اسلام این شاخصه را به خوبی و کمال دارا می‌باشد چنان‌که قبلا بیان شد.
دوم: اسلام همان‌گونه که در مناطق دیگر گسترش یافت، در زمان اوج وعزت و شوکتی خود سوزمین‌های مغرب زمین را نیز درنوردید و پس از فتح اسپانیا (که در سال ۹۲ هجری واقع شد و هشتصد سال در اختیار مسلمانان باقی ماند) ارتش ظفرمند اسلام به فرماندهی عبدالرحمن بن عبدالله غافقی توانست از کوه‌های «پیرنه» عبور کند و ایالات جنوب فرانسه را تصرف نماید و در قلب فرانسه تا

تفکر و اندیشه از جنس عبادت

یک تفکر است که انسان را به اندازه یک سسال عبادت جلب می‌برد، یک تفکر است که او را به اندازه شصت سال عبادت جلو می‌برد، یک تفکر است که او را به اندازه هفتاد سال عبادت جلو می‌برد. در احادیث ما وارد شده است: کَانَ الْكُفْرَ عِبَادَةً اِسْمَى ذَرِّ الْتَفَكْرَ؛ اکثر عبادت ابودر فکر کردن بود.

عقلیت تفکر ابودر این بود که هرچنان امر به معروف و نهی از منکر شد و جان خود را

بالاخره در همین راه داد.

ابودر یکی از متفکرین و حکمای اصحاب

پیامبر به شمار می‌رود.

• مجموعه آثار استاد شهید مطهری

ج ۴، صص ۲۷۱ - ۲۷۰

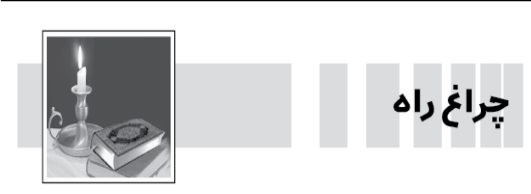
و یادداشت‌های استاد مطهری؛ ج ۶؛ ص ۴۱۶

با تلخیص و ویرایش جزئی

صفحه ۷

یک‌شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۲

۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۴۴



چراغ راه

راهکار اصیل شناخت دین

قال الامام الصادق(ع): «من دخل فی هذا الدین بالرِجال اُخرجه منه الرِجال کما ادخلوه فیه و من دخل فیه بالکتاب و السنه، زالت الجبال قبل ان یزول.»
امام صادق(ع) فرمود: کسی که از طریق شخصیت‌های مطرح به دین اسلام جذب شود، همان اشخاص او را از دین خارج می‌کنند همان‌گونه که وارد کرده بودند؛ ولی اگر کسی براساس شناخت و معرفت کتاب و سنت به دین وارد شود، همچون کوه بر عقیده‌اش باقی می‌ماند.^[۱]

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۰۵

حکایت خوبان

ویژگی‌های عاقل‌ترین مردم
پیامبر اکرم(ص) فرمود: بلندبند که عاقل‌ترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد، و از او پیروی کند، دشمنان خدا را بشناسد و از آنان بفرمانی کند، جایگاه ابدی خود را بشناسد و آن را آباد کند و بداند به زودی به آنجا سفر خواهد کرد و برای آن توشه بردارد.^[۲] در روایتی امام‌علی(ع) می‌فرماید: عاقل‌ترین مردم کسی است که بهتر بتواند امور زندگی‌اش را برنامه‌ریزی کند و برای اصلاح آخرت بیشتر همت نماید.^[۳]

۱-اعلام‌الدین، ص ۳۲۷، ج ۱۵

۲-غررالحکم، ج ۳۳۰

پرورش و پاسخ

فطری بودن دین
و مخالفت اکثریت با حق!
پرشش:
اگر دین و گرایش به حق و خدا فطری انسان‌ها می‌باشد، چگونه است که اکثریت مردم طبق فرموده قرآن کریم، به خدا و حق گرایش نداشته‌اند، و از پذیرش آن کراهت دارند، و سرباز می‌زنند؟
پاسخ:

آیات موهم تعارض
قرآن کریم از یک سو می‌فرماید: «ها میانه‌روی و همه وجودت، به دین اسلام رو بیابور؛ یا همان سرشتی که خدا مردم را براساس آن آفریده است. (روم- ۳۰) براساس این آیه شریفه دین و اصالت آموزه‌های دینی و وحیانی فطری انسان است و همه انسان‌ها فطر تا خداجو و خدا آگاه هستند. از طرف دیگر آیاتی داریم که دلالت بر اکثریت مردم بر عدم پذیرش حق و ایمان به خدا دلالت می‌کند.» (یا پیامبر حقایقی را برایشان آورده بود که با منافقانشان در تضاد بود و برای همین هم) بیشترشان چشم دیدن حق را نداشتند» (المؤمنون ۷۰- در آیه دیگر می‌فرماید: «بدانید وعده خدا راست است، ولی بیشترشان این حقایق را نمی‌دانند (یونس ۵۵)» همچنین در آیه دیگری می‌فرماید«ایا بت‌پرستا سه جای او، معبودهایی انتخاب کرده‌اند؟ بگو: لیلتان را بگویند، پیام مشترک قرآن و کتاب‌های آسمانی قبلی، یکتایی خداست، ولی بیشترشان این حقیقت را نمی‌فهمند، و برای همین به آن ایتمنانید» (انبیاء- ۲۴) و آیات دیگری از این دست که موهم تعارض با گرایش فطری به دین، خدا و حق می‌باشد.

۱- دین و خدانشناسی تکوینی و تشریحی
خداوند متعال در وجود هر انسانی به طور خدادادی، این فطرت توحیدی را قرار داده است تا به دنبال بی‌نیاهت مطلق باشد، یعنی خداوند تکوین را وجود هر انسانی خدانشناسی و بلکه دین و ایمن را به طور کلی قرار داده است، و از آن بالاتر اینکه مطالعات تجردی به ما می‌گوید میان دستگاه تکوین و تشریح هماهنگی برقرار است، و آنچه در شرع وارد شده است، حتما ریشه‌ای هم در فطرت دارد، و آنچه در تکوین و نهاد آدمی است، مکتب برای قوانین شرع خواهد بود.

۲- عارضی بودن مخالفت با فطرت و دین
از طرف دیگر دین به صورت خاصی و پاک از هرگونه آلودگی در جنان آدمی وجود دارد، و انحرافات از فطرت و دین یک امر عارضی و خلاف اصل است. بنابراین وظیفه پیامبران است که این امور عارضی و خلاف اصل را زایل کرده و از بین ببرند، و به فطرت اصلی انسان امکان رشد و شکوفایی بدهند. پس انحرافات اکثر مردم از اصل مسئله توحید (اکثر الناس لیطعنون اکثرهم لملق کارهون) که به دلیل جهل و پیروی از فطرت و هوای نفس صورت می‌گیرد، امری تبعی و عارضی است، و با اصل مسئله خدانشناسی فطری که در ضمیر وجود همه انسان‌ها قرار داده شده، ارتباطی نداشته و دو امر کاملا جداگانه و متفاوتی هستند.
تعبیر دیگر آری فطرت، در مقام بیان این مطلب است که دین و آیین به طور کلی، و در تمام ابعاد یک امر فطری است، و باید هم این‌گونه باشد، زیرا عرصه تکوین و تشریح دو بازوی نیرومند و مکمل یکدیگرند که به صورت هماهنگ و منظم در تمام زمینه‌ها عمل می‌کنند. ولی از طرف دیگر عوارض دیگری نظیر شوهرات‌های نفسانی، غرایز، کشش‌های بیرونی، تعلیمات جنسی و شوهرات، … می‌توانند در متن نهادهای تکوین عارضی و تبعی در مقابل این فطرت خدادادی توحید قرار بگیرند، و با اصل فطری و خدادادی مقدم می‌دارند، و اصل را رها کرده و به فرغ و تغییر معیارهای ارزشی می‌پردازند که در نهایت فاکتک و بدبختی هر دو جهان را در پی خواهد داشت. به طور کلی موانع رشد و شکوفایی فطرت را در دو دسته می‌توان تفکیک نمود:
۱- عرصه نظری: موانعی مانند: جهل، غفلت، وسوسه علمی، پندار گرای، و عقل ظاهربین، …
۲- عرصه عملی موانعی: مانند: خودبینی، هوارپرستی، تکبر، دین‌پرستی، لذت‌طلبی و شهوت‌رانی و…

سلوک عارفانه

دلایل عصیان‌ورزی انسان

در ادعیه ما از امام علی(ع) نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «الهی قلبی محبوب» پروردگار! برده‌ای روی دل من را گرفته‌است، حجاب دارم، «نفسی معیوب»، روح من ضربه خورده است. از چه کسی ضربه خورده است؟ از همان عقل معملی ضربه خورده است، «و عقلی مغلوب» اگر نبیویی که در نهایت نهادهای تو الهام بگیرد، در این کشاکش زمین خورده است، «و هوایی غالب» شیوت و غصب، وهم و شیطنت بر عقل نظری من غلبه کرده‌اند. «و معصیتی کثیر» خلاقکاری‌های من زیاد شده است، چرا؟ چون از نظر ادراکی از شهوت و غضب الهام می‌گیرم.^[۱]

۱- اخلاق ربانی، آینه‌الله شیخ معینی تهرانی(ره)، ج ۱، ص ۱۴۴

صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir